

طرح مسئله موسیقی و ساختار حکمرانی فرهنگی؛

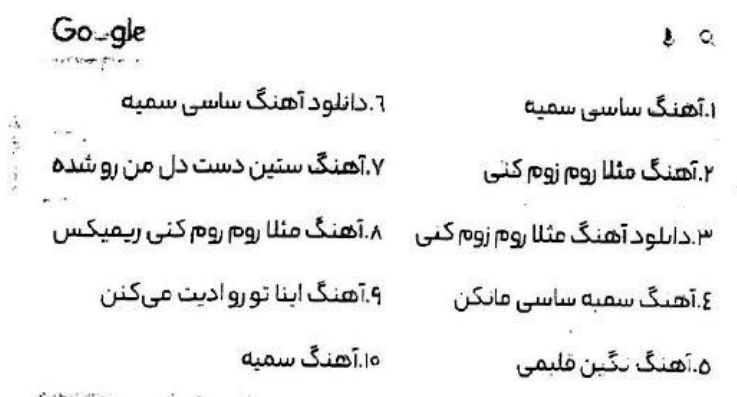
به سوی تدوین بیانیه راهبردی موسیقی

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی؛ دی ماه ۱۴۰۱ ه.ش

موسیقی را هدف دار، جهت دار و معنادار، اجرا و طراحی کنید و صبغه‌های لهو را از آن بزدايید. در زمینه موسیقی باید آثاری پدید آورد که برای ملت‌ها و انسان‌های صاحب اندیشه و خردمند راه‌گشا باشد. امیدوارم به این دعوت، جواب مثبت داده شود و موسیقی را به سمت متعالی شدن سوق دهید. اگر شما هم اقدام نکنید بالاخره گروهی می‌آیند و به این روش تکاملی عمل می‌کنند. به هر حال بشر در زندگی ناگزیر از تکامل است. (مقام معظم رهبری)

ردیف	گزارش‌ها	نهاد مجری	سال
۱	بررسی وضعیت آموزش موسیقی و نگرش آن‌ها درباره هویت موسیقی ایرانی در آموزشگاه‌ها و هنرستان‌های موسیقی شهر تهران	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات	۱۳۸۶
۲	تحلیلی گذرا بر وضع موسیقی (سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها از ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵)	مرکز پژوهش‌های مجلس	۱۳۸۷
۳	نظرسنجی از افراد ۱۵ تا ۳۵ سال شهر تهران درباره موسیقی	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات	۱۳۸۹
۴	آشنایی اجمالی با سیاست‌گذاری در حوزه هنر (سینما، موسیقی، تئاتر، هنرهای تجسمی)	مرکز پژوهش‌های مجلس	۱۳۹۱
۵	پیش‌نویس سند موسیقی در جمهوری اسلامی ایران و اسناد پشتیبان	مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری	۱۳۹۴
۶	سنجش ذائقه شنیداری ایرانیان	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با همکاری اسپا	۱۳۹۵
۷	سیاست‌های موسیقی در جمهوری اسلامی ایران، ارزیابی و پیشنهاد	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	۱۳۹۶
۸	سیاست موسیقی در ایران، از ابتدا تا سال ۱۳۹۸	مرکز رصد فرهنگی کشور	۱۳۹۹
۹	پیش‌نویس سند ملی موسیقی	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۴۰۱

وضعیت موسیقی در ایران پس از انقلاب اسلامی وضعیتی بلا تکلیف است. اختلاف فتاوا در مواجهه با موسیقی و وجود چالش‌ها و گره‌های بسیار در این زمینه، گستردگی فضای مجازی و دسترسی آسان آحاد جامعه به همه محتواهای موسیقایی تولید شده در ایران و جهان، علاقه نظام جمهوری اسلامی به استفاده از موسیقی در جهت اهداف اسلامی و ملی، توسعه موسیقی کم‌مایه توسط رسانه‌های رسمی همچون صدا و سیما و تنوع و تکثر سلیقه‌های موسیقایی در کشور، از جمله مسائل متعارضی است که موجب شده فضای موسیقی کشور دچار نوعی آشفتگی و سردرگمی باشد. این فضای آشفتگی و مشوش باعث شده که هویت از جریان موسیقی گرفته شده و موجب شود در مصرف موسیقی نیز جریان غالبی وجود نداشته باشد و جامعه دچار نوعی مصرف بلامرئج شود.



تصویر شمار ۳- ده جستجوی پرتکرار با واژه آهنگ در یکسال گذشته

عدم شفافیت جایگاه موسیقی در نظام فرهنگی کشور، مانعی سیاستی است که نهایتاً به عدم وحدت رویه در اجرای سیاست‌های کلان فرهنگی کشور، به ویژه در حوزه موسیقی منجر شده است. از طرفی رشد روزافزون مصرف موسیقی در میان اقشار مختلف مردم، ضرورت سیاست‌گذاری در این حوزه را بیشتر نمایان کرده است. در این آرایش جدید مجموعه سیاست‌گذاری کشور باید نقش تنظیم‌گر را به عهده داشته باشد. تنظیم‌گری به معنای قاعده‌گذاری‌هایی است که به صورت ساختاری موسیقی فاخر و متناسب با فرهنگ ملی و دینی را در رأس هرم مصرف قرار می‌دهد. از طرف دیگر و به صورت ایجابی سیاست‌گذاران بایستی امکان‌هایی را فراهم کنند تا تولیدکنندگان موسیقی‌های فاخر و ارزشمند، در قامت بازیگران قدرتمند عرصه تولید موسیقی عمل کنند تا بتوانند مصرف‌کنندگان و مخاطبان موسیقی را به خود جلب نمایند.

یکی از مهمترین چالش‌های حوزه موسیقی در نظام جمهوری اسلامی، ابهام در مواجهه فقهی با موسیقی است که در نتیجه این ابهام موجب شده موسیقی جایگاه خود را در نظام فرهنگی کشور به درستی پیدا نکند. مهمترین عنصری که وضعیت ترویج موسیقی، آموزش موسیقی، نوع مجوزدهی‌ها، نسبت‌گیری با محتوای موسیقی‌ها و ذائقه‌سازی‌ها را روشن‌تر از پیش خواهد کرد، مسئله فقه موسیقی و تعیین نسبت دقیق دینی با موسیقی است که بایستی مورد توجه و رفع ابهام قرار بگیرد. به نظر می‌رسد نتیجه این رفع ابهام بایستی امکان گسترش سواد موسیقایی در سطح عموم خصوصاً نوجوانان را فراهم کند، همچنین مجوز ترویج انواعی از موسیقی پرمایه در جامعه را صادر کرده و به حفظ تنوع و

گسترده‌گی موسیقی متناسب با مخاطبان آن یاری رساند. از آنجا که نسبت دین با موسیقی همچنان یک نسبت پر ابهام است، مسئله اشاعه یا عدم اشاعه موسیقی نیز محل ابهام می‌باشد. مهمترین عنصری که تکلیف ترویج موسیقی، آموزش موسیقی، نوع مجوزدهی‌ها، نسبت گیری با محتوای موسیقی‌ها و ذائقه‌سازی‌ها را روشن تر از پیش خواهد کرد، مسئله فقه موسیقی و تعیین نسبت دقیق دینی با موسیقی است که بایستی مورد توجه و رفع ابهام قرار بگیرد.

به لحاظ اقتصادی صنعت موسیقی، ظرفیت‌های این حوزه عظیم ابداً شکوفا نشده و دارای محدودیت‌های جدی است. در فقدان قانون حق نشر روزآمد، حقوق صاحبان آثار موسیقایی به طور گسترده نقض می‌شود. در این شرایط تولید اثر به فعالیتی زیان‌ده بدل شده و اقتصاد موسیقی بیش از پیش به اجرای صحنه‌ای و آموزش متمایل شده است. در زمینه اجرا نیز محدودیت تعداد سالن‌های اجرا و غلبه نیروهای بازار، موجب شده کنسرت‌ها عملاً در انحصار گرو‌ه‌های معدودی قرار گیرد و مصرف آن از دسترس اقشار به لحاظ اقتصادی متوسط و پایین جامعه خارج گردد. نکته قابل تامل دیگر این است که این طیف سیاست‌ها تنها بخشی از حوزه تولید و مصرف موسیقی در کشور را در بر می‌گیرد و واقعیت آن است که بخش عظیمی از مصرف موسیقی ایرانیان توسط بازار جهانی و برون مرزی موسیقی تأمین می‌شود. لذا تدوین سیاست‌های جدید در عرصه موسیقی ضروری است، سیاست‌هایی که علاوه بر توجه به حساسیت‌های حاکمیتی به عرصه موسیقی، تأمین‌کننده منافع هنرمندان، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این حوزه نیز باشد. همچنین در حوزه آموزش موسیقی نیز شاهد انفعال دستگاه‌های رسمی آموزشی و فرهنگی-هنری هستیم، این مهم عملاً نتیجه‌ای جز انقطاع اثربخشی بر عموم هنرجویان و زیرزمینی شدن جریان آموزش موسیقی نداشته و باعث تفوق جریان‌های بدیل و گاهاً معارض با فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی در این زمینه شده است.

با توجه به مسائل مطرح شده، ضروری است دستگاه‌های فرهنگی ضمن چرخش از رویکرد تهدیدمحور و انفعالی به رویکرد فرصت‌محور و فعالانه، علاوه بر مقابله با آثار خارج از محدوده شرعی و عرفی در فرم و محتوا، به تنظیم‌گری مناسبات حوزه موسیقی در جهت تولید و حمایت از آثار منبسط بر شرع و عرف و با جذابیت بالا بپردازند. در این رویکرد بلندمدت، هدف ارتقای سطح ذائقه و سواد موسیقایی مخاطبان و استفاده از موسیقی به عنوان یک منبع فرهنگی ناملموس در جهت اعتلای فرهنگی جامعه است، چه این که فلات فرهنگی ایران در نواحی مختلف خود، الگوهای متنوعی از موسیقی‌های بومی-نواحی را پرورش داده که یکی از اصلی‌ترین منابع هویتی-فرهنگی به حساب می‌آیند و متأسفانه به نظر می‌رسد، حمایت کافی از آن به عمل نیامده است.

به طور خلاصه می‌توان نقاط اصلی چالش در زیست‌بوم موسیقی را چنین برشمرد:

- **حقوقی:** عدم پذیرش کنوانسیون حمایت از حقوق مؤلف (برن) و پیامدهای بعدی اقتصادی و حقوقی آن
- **بین‌المللی:** عدم توجه به ظرفیت‌های موسیقی در عرصه دیپلماسی نرم و ارتباطات میان فرهنگی؛ عدم توجه به تأثیر و تأثر متقابل فضای بین‌المللی و ملی بر جریان موسیقی؛ عدم توجه به گسترش روزافزون مصرف خارجی موسیقایی خصوصاً در میان اقشار نوجوان و جوان

- **سازمانی و نهادی:** ناهماهنگی نهادی در اهداف مورد پیگیری در امر موسیقی
- **ذائقه شنیداری جامعه:** مصرف همه چیز خوارانه و بلامرجح در میان مردم و تخریب ذائقه شنیداری / رهاسازی عرصه تربیت ذائقه موسیقایی، باعث همه چیز خواری مردم، خصوصاً اقشار نوجوان شده است.
- **فرایند ترویجی:** رواج عملی سخیف ترین نوع و محدودیت سازی برای فاخرترین و اصیل ترین نوع موسیقی (موسیقی نواحی و موسیقی سنتی)
- **اقتصاد موسیقی:** سهم نداشتن موسیقی ایرانی در بازار جهانی؛ صنعت نبودن موسیقی؛ محدود شدن درآمد موسیقی به اجرای صحنه ای؛ اختلال در زیست بوم موسیقی؛ سهم موسیقی از اقتصاد کشور عددی نزدیک به صفر است.
- **فقهی و دینی:** وجود فتاوی متعدد و مختلف؛ انتقاد در بعد موضوع شناسی دقیق و روزآمد؛ نگرش مضیق به عرصه موسیقی
- **آموزش موسیقی:** فقدان آموزش موسیقی به نوجوانان و تربیت ذائقه شنیداری آنان؛ محدودیت آموزش رسمی موسیقی در قالب هنرستان ها و دانشگاه ها؛ زیرزمینی شدن آموزش موسیقی؛ به حاشیه رفتن آموزش موسیقی اصیل ایرانی و گسترش انواع خارجی آن

نقاط عزیمت راهبردی

۱. تعیین تکلیف مواجهه فقهی با موسیقی
۲. متمرکز کردن سیاست گذاری ها در حوزه موسیقی
۱. تدبیر صنعت موسیقی به مثابه یک زیست بوم
۲. وضع قوانین مناسب جهت رعایت حق نشر (کپی رایت) و حمایت از ناشران
۳. توسعه زیرساخت های مورد نیاز ایجاد زنجیره ارزش در حوزه موسیقی
۴. ارتقای تربیت ذائقه موسیقایی و سواد شنیداری در میان عموم مردم خصوصاً نوجوانان
۵. ایجاد سازوکارهای موثر جهت حمایت و ترویج آثار با فرم و محتوای فاخر
۶. توجه به گستره مخاطبان و تنوع فرهنگی آنان در سیاست گذاری موسیقی